

ماهیت و کارکرد پول اصل محوری در جبران کاهش ارزش پول مقایسه اقتصادهای متعارف و اسلامی

دکتر علی حسن زاده *

دکتر احمد مجتهد **

چکیده: پیدایش انواع مختلف پول به خصوص اسکناس و پول‌های اعتباری با ماهیت‌های متفاوت از سکه‌های فلزی (طلا و نقره) و همچنین آثار و تبعات تورمی غیرقابل اجتناب رشد عرضه آن در اقتصاد، اهمیت شناخت و ماهیت آن را در جوامع مختلف به خصوص در جوامع اسلامی که بهره به عنوان یکی از مصادیق ربا در آن حرام تعریف شده است، چند برابر نموده است.

تعریف مناسب از ماهیت و کارکرد پول می‌تواند شرایط استفاده از ابزارها و شیوه‌های مناسب را به منظور جبران آثار و تبعات کاهش قدرت خرید جامعه ناشی از تورم برای اقشار مختلف سپرده‌گذار و پس‌اندازکننده جامعه معرفی نماید. این مقاله با عنایت به این موضوع ضمن مروری بر ماهیت و کارکرد پول در اقتصادهای متعارف، اشاره‌ای مختصر بر تعاریف و برداشت‌های فقهی از ماهیت و کارکرد پول در نظام اقتصاد اسلامی دارد.

۱. مقدمه

پول وسیله‌ای است که با آن بهای کالاها و خدمات را می‌پردازیم، ارزش

فعالیت‌های اقتصادی را می‌سنجیم و به عنوان نوعی از

دارایی، حاصل بخشی از فعالیت‌های اقتصادی

خود در زمان جاری را برای بهره‌برداری در

زمان آتی پس‌انداز می‌نماییم. علاوه بر این

خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد

آن، متغیری است که اندکی تغییر در آن،

اقتصاد یک جامعه را دچار دگرگونی و گاهی

اوقات بحران، هرج و مرج و واژگونی می‌نماید.

با توجه به این اوصاف از یک طرف و همچنین

**در یک نظام اقتصاد اسلامی
به کارگیری ابزارهای پولی، اتخاذ تصمیمات و
سیاست‌های پولی در راستای اهداف کلان
اقتصادی می‌بایست منطبق با احکام فقهی
و مبانی شریعت باشد**

پیدایش گونه‌های متعدد پول به ویژه پول‌های کاغذی و الکترونیکی در اقتصاد نوین و افزایش اثرگذاری آن بر متغیرهای حقیقی و اسمی اقتصاد، ضرورت درک مفهوم و کارکرد آن برای متخصصین و سیاستگذاران اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در یک نظام اقتصاد اسلامی این موضوع از اهمیت دوچندانی برخوردار خواهد بود. در این نظام به کارگیری ابزارهای پولی، اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های پولی در راستای اهداف کلان اقتصادی می‌بایست منطبق با احکام فقهی و مبانی شریعت باشد. بنابراین اگر تعریف

و شناخت مناسب و صحیحی از ماهیت پول ارائه نگردد، ممکن

است احکام فقهی و شرعی استوار بر دامنه عملکرد و با عرضه بیشتر اسکناس به بازار،

وظایف آنها در اقتصاد به دقت تعیین نگردد. عدم اعتماد مردم به اسکناس‌ها کاسته شد،

تحقق چنین امری، نا کارآمدی سیاست‌های آنها سراغ بانک‌ها رفتند تا بجای

پولی و اعتباری و مالی را به همراه خواهد داشت. اسکناس، طلا و نقره بگیرند. آنگاه چون

بیشتر بانک‌ها پاسخگوی مطالبه آنها بیشتر بانک‌ها پاسخگوی مطالبه آنها

نبودند، بحران پولی پدیدار شد

۲. تعریف پول
واژه پول برگرفته از یک اصطلاح لاتین تحت عنوان «Pokos» به معنای گله می‌باشد. مع هذا در

طول زمان این واژه بر تمامی ابزارهای سنجش کالاها

مستولی گردیده است. گروهی از مردم شناسان آن را در کنار آتش و چرخ از جمله اکتشافات و اختراعات به شمار آورده‌اند که سیر تبدیل انسان غارنشین به انسان متمدن را رقم زد. پیدایش این پدیده از طریق کاهش هزینه مبادلات و در نهایت افزایش تعداد و ارزش مبادلات این تکامل را تحقق بخشید. پول همانند سایر پدیده‌های اجتماعی در بستر تاریخ بشر پدید آمده و عوامل متعددی از جمله زمان، مکان، فرهنگ، ساختارهای حکومتی و نظام معیشتی جوامع در سیر تکامل آن مؤثر بوده‌اند. حال با عنایت به این تعریف، سؤال این است که پول از چه نقش و کارکردی در نظام‌های اقتصادی مختلف برخوردار است؟ پاسخ به این سؤال منوط به درک و تعریف معین از ماهیت آن در الگوها و مدل‌های اقتصادی خواهد بود.

۳. تحول و تکامل پول در جامعه بشری

جوامع بدوی، مبتنی بر یک ساختار اجتماعی قبیله‌ای بوده‌اند و به گونه‌ای خود معیشتی اداره می‌شدند، اما گاه برخی از قبیله‌ها بیشتر از نیاز خود تولید می‌کردند و برای برآوردن نیازهای دیگر خود، به مبادله تولیدات خود با دیگران می‌پرداختند. بدین ترتیب، مبادلات پایاپای شکل گرفت.

این شیوه از مبادلات مشکلات فراوانی داشت که شامل موارد زیر می‌باشد: عدم امکان ذخیره ثروت؛ مساوی نبودن کالاهای مورد معامله؛ نبود معیار سنجش ارزش کالاها؛ عدم نیاز به کالایی که در برابر کالا پرداخت می‌شد و عدم امکان انعقاد قراردادهای مشروط به پرداخت در آینده.

این گونه مشکلات جوامع را واداشت که در پی یک نظام مناسب باشند. در نخستین گام، بعضی از کالاها به عنوان واسطه مبادلات تعریف گردید که به پیدایش پول کالایی غیر فلزی انجامید.

در جوامع مختلف، کالاهایی متناسب با ساختار اقتصادی آنان و شرایط جغرافیایی واسطه مبادله تعریف شد؛ چند نمونه از آنها عبارت بودند از: نمک، صدف، ماهی خشک شده، توتون، پوست و لباس. با توجه به اینکه مبادله توسط پول کالایی، مشکلات دیگری مانند: هزینه‌های حمل آنها به بازارهای دوردست، نگهداری و غیره را به دنبال داشت، برای داد و ستد بشر به وسیله‌ای دیگر اندیشید.

پس از پول‌های کالایی، پول فلزی به عنوان واسطه مبادله تعریف شد. بشر میان فلزات طلا و نقره را

به دلیل سبکی، دوام، یک شکل بودن، تشخیص آسان و امکان ذخیره سازی برای این منظور برگزید. نظام پول فلزی، به رغم امتیازهایی که نسبت به پول کالایی داشت، دچار نارسایی‌هایی در برآوردن انتظارات مردم بود که عبارت بودند از:

- خطر سرقت هنگام حمل و نقل؛
- هزینه زیاد حمل و نقل؛
- ساییدگی و کاهش وزن؛
- غش در عیار مسکوکات.

و دیگر معایب که مردم را به برگزیدن پول جایگزین برانگیخت.

از نگاه تاریخی، تشخیص اینکه از چه زمانی پول کاغذی وارد مبادلات شد، بسیار مشکل می باشد. شاید بتوان برات رانخستین وسیله پرداخت کاغذی دانست. برات، برگ کاغذی بود که خریدار کالا به فروشنده تسلیم می کرد تا در شهر خود به صراف بدهد و برابر مبلغ ثبت شده در آن، طلا و نقره بگیرد. از دیگر وسایلی مبادله مشابه با اسکناس که به کار گرفته شد «رسید» بود، مردم به دلیل ترس از سرقت، پول فلزی خود را به افراد مورد اعتماد یا صرافان می سپردند و در برابر آن «رسید» دریافت می کردند و هرگاه می خواستند، نزد صراف می رفتند و پول فلزی خود را دریافت می کردند.

صرافان بعد از زمانی دریافتند که بخشی از پول فلزی مردم

برای یک دوره زمانی بدون استفاده نزد آنان

می ماند، لذا بر این اساس با هدف کسب سود

اقدام به استفاده از مابه التفاوت پول های

سپرده گذاری شده و باز پس گرفته شده

در قالب وام نمودند.

در مراحل بعدی و پس از پذیرفته

شدن و به کارگیری این «رسیدها»،

رسیدهای استاندارد دیگری و با مبلغ

مشخص که حکم اسکناس را داشت، در نظام پولی

جوامع به عنوان واسطه مبادله پذیرفته شد. صادرکننده این «رسیدها»، تعهد کرده بود که هرگاه این «رسیدها» به وی برگردانده شود، بی درنگ بجای آن طلا یا نقره داده می شود. بدین ترتیب، این «رسیدها» به صورت (اسکناس قابل تبدیل به فلز) به کار گرفته شد.

هنگامی که صرافان و بانکداران، مورد پذیرش و اعتماد دارندگان اسکناس قرار گرفتند، فراتر از وام دادن به اندازه پول های فلزی مانده در صندوق ها، اقدام به چاپ اسکناس و روانه نمودن آن به بازار نمودند. دارندگان اسکناس نیز می پنداشتند که هرگاه به بانک ها بروند، می توانند بجای اسکناس، طلا و نقره بگیرند؛ در حالی که مقدار طلا و نقره در صندوق بانک ها، بسیار کمتر از میزان اسکناس در نزد مردم بود. با عرضه بیشتر اسکناس به بازار، اعتماد مردم به اسکناس ها کاسته شد و به سراغ بانک ها رفتند تا بجای اسکناس، طلا و نقره بگیرند، آنگاه چون بیشتر بانک ها پاسخگوی مطالبه آنها نبودند، بحران پولی پدیدار شد.

در پی بحران های پدید آمده، ناگزیر دولت ها، خبر از عدم قابلیت تعویضی اسکناس به طلا و نقره دادند که حادثه ای مهم در اقتصاد به شمار آمد و دگرگونی چندانی را در ماهیت اسکناس پدید آورد؛ رابطه میان اسکناس و طلا و نقره قطع شد و پول اعتباری به وجود آمد.

بر مبنای تمامی این نظریات، پول به عنوان جایگزین برای سایر کالاها در تابع مطلوبیت افراد معرفی می گردد. پس بر این اساس تعیین نرخ جایگزین پول بجای کالاها و یا مطلوبیت نهایی پول بیانگر وجود قیمتی برای پول در مقایسه با قیمت کالاها جایگزین آن می باشد

بنابراین، ارزش پول در داد و ستد، فقط اعتباری بود که مانند پول های پیشین نزد عقلا قابل پذیرش بود. لذا بر این اساس مداخله دولت و سیاست های اقتصادی آن نقش قابل توجهی در ارزش و اعتبار اسکناس بر جای گذاشت و دیگر پشتوانه پول، طلا و نقره نبود، بلکه کالاها و خدمات، جایگزین آن گردیدند.

پول تحریری به عنوان یکی دیگر از انواع پول که امروزه قریب ۹۰٪ از حجم مبادلات را به خود اختصاص داده است، به مجموع مانده حساب مشتریان بانک ها و سایر مؤسسات سپرده پذیر اطلاق می شود و معمولاً به وسیله چک یا وسایل دیگر از حسابی به حساب دیگر قابل انتقال است. پول تحریری به بیان ساده تر همان حساب جاری و حساب اعتباری اشخاص و مؤسسات مختلف است که نزد بانک ها و مؤسسات پولی نگهداری می شود و می توان آن را به صورت اسکناس دریافت نمود و یا به حساب دیگری به نام خود یا دیگری انتقال داد.

در دهه های اخیر، افراد بجای به کارگیری اسکناس یا چک یا استفاده از نشانه های الکترونیکی، اقدام به سپرده گذاری یا خرید می کنند. این همان پول الکترونیکی است که با استفاده از داده های الکترونیکی موجودی پول افراد را از حسابی به حساب دیگر انتقال می دهد.

امروزه در بعضی از کشورها گونه هایی از کارت های پرداخت، جایگزین بهتری برای پول و چک شده است. حتی بعضی از این کارت ها امکان پرداخت مدت دار برای دریافت وام را فراهم آورده است.

۴. ماهیت و کاربرد پول در نظام های اقتصادی متعارف
اقتصاددانان ماقبل کلاسیک نظیر: هیوم، جان لا^۲، ویلیام پتی^۳ و کانتیون^۴ همگی رأی به غیر خنثی بودن پول در فعالیت های اقتصادی داشته اند. به طور کلی مجموعه نظریات این دانشمندان بر اساس دو محور فکری اساسی یعنی، پول به عنوان محرک اصلی تجارت و تأکید بر تأثیر قابل توجه پول بر حجم تولید و اشتغال بوده است.

بر اساس استدلال کینز و با عنایت به تعریف پول به عنوان شکلی از یک دارایی، نرخ بهره یا بهای پول به عنوان یک متغیر اصلی در تنظیم روابط اقتصادی، میان بخش های پولی و حقیقی اقتصاد خواهد بود

در مقابل این گروه، اقتصاددانان کلاسیک که عمدتاً نظریات خود را در قالب نظریه مقداری پول معرفی می نمایند. اینان از پول در شرایط تعادل بلندمدت به عنوان یک متغیر خنثی یاد می کنند. این گروه از اقتصاددانان پول را به صورت حجابی بر روی روابط حقیقی اقتصاد معرفی و صرفاً آثار آن را در تغییرات قیمت ها ملاحظه می نمایند. این مطلب خود حاکی از این موضوع است که آنان پول را به عنوان وسیله مبادله در اقتصاد تعریف نمودند و در نهایت هیچ دلیلی برای نگهداری و کنز آن ارائه نمی دهند. برداشت اقتصاددانان نئوکلاسیک از ماهیت پول، تحولی وسیع و بنیادی در کارکرد آن در اقتصاد به وجود آورد. از نظر این گروه از اقتصاددانان پول خود به وجود آورنده مطلوبیت است، به عبارت دیگر، پول به عنوان یک کالا همانند تمامی کالاهای تواند خالق رضایت خاطر و مطلوبیت برای مصرف کنندگان باشد، مدل های تعریف شده ی کلیف لوید^۵، مارشاک^۶، برونز^۷ و ساموئلسن^۸ همه مؤید این موضوع می باشند.

بر مبنای تمامی این نظریات، پول به عنوان جایگزین برای سایر کالاها در تابع مطلوبیت افراد معرفی می گردد. پس بر این اساس تعیین نرخ جایگزین پول بجای کالاها و یا مطلوبیت نهایی پول بیانگر وجود قیمتی برای پول در مقایسه با قیمت کالاها ی جایگزین آن می باشد.

این نوع تعبیر از پول به ضرورت پذیرش بهای پول یا نرخ بهره به عنوان ساز و کار مناسب برای تخصیص



منابع در چهارچوب منشور اقتصاد نئوکلاسیکی اشاره می‌نماید.

میلتون فریدمن در بیان جدیدی از نظریه مقداری پول تعریف دیگری از پول ارائه می‌دهد. او پول را به عنوان یکی از صور مختلف دارایی تصور می‌کند که بر اساس آن افراد می‌توانند بخشی از ثروت خود را به صورت نقد نگه دارند.

فریدمن معتقد است که پول همانند سایر اشکال دارایی، موجب درآمد و در هر حال دارای مطلوبیت است. به عبارت دیگر نگهداری ثروت به صورت پول، موجب تسهیل در مبادلات روزمره و همچنین امنیت خاطر دارنده آن می‌شود و بی‌تردید مطلوبیتی را برای او به همراه دارد. اما حقیقتی که اینجا وجود دارد این است که نگهداری پول، شخص را از درآمدهایی محروم می‌کند که اشکال دیگر دارایی از جمله اوراق قرضه و سپرده‌های بانکی می‌توانست برای او به همراه داشته باشد. بنابراین تصمیم به نگهداری پول برای فرد هزینه فرصتی را به همراه دارد. به بیان دیگر، فریدمن در این الگوبرو جود بهای پول یا همان نرخ بهره به عنوان ساز و کاری در تخصیص منابع تأکید می‌نماید.

کینز و پیروان او در یک چهارچوب انتقادی به کارکردهای الگوی اقتصاد کلاسیک با تأکید بر عدم کفایت این الگودر حل بحران‌های اقتصادی و نقصان‌های آن در درک ناقص از تعریف و وظایف پول به عنوان یکی از متغیرهای اصلی اقتصاد، الگوی خود را ارائه می‌نمایند. کینز برخلاف نظریه کلاسیک‌ها مبنی بر اینکه پول صرفاً وسیله‌ای برای مبادله است، وظیفه دیگری برای پول یعنی به عنوان ذخیره ارزش تعریف می‌نماید.

او معتقد است در این شرایط تولیدکنندگان و فروشندگان بعد از فروش و تبدیل کالاهایشان به پول، برای مدتی از خرید مجدد خودداری می‌نمایند و این موضوع خود بیانگر کمبود تقاضای مؤثر در بازار و در نهایت رکود می‌گردد.

او در توجیه این موضوع اشاره می‌نماید که در شرایط معین افراد ترجیح می‌دهند که ثروت خود را به صورت پول نقد نگهداری کنند تا دارایی‌های بهره‌رسان؛ زیرا در یک نظام اقتصادی که با شرایط نااطمینانی در آینده روبرو است، کاملاً عقلایی است که افراد بخشی از ثروت خود را به صورت ذخایر بیکار نگه دارند.

کینز با بیان این نظریه همانند اقتصاددانان نئوکلاسیک پول را به عنوان شکلی از دارایی تعریف می‌نماید. با این تعریف از پول او معتقد است در شرایطی که سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه و بورس بازی

برای افراد زیان بار باشد، افراد ترجیح می‌دهند که پول نقد بیکار داشته باشند؛ به بیان دیگر در این شرایط داشتن رجحان نقدینگی بجای دارایی‌های بهره‌رسان عقلایی تر است. این شرایط از دیدگاه کینز بیان رابطه میان نرخ بهره و ترکیب دارایی‌ها در سبد دارایی‌های افراد می‌باشد؛ به عبارت دیگر این موضوع اشاره‌ای به نرخ بهره به عنوان هزینه نگهداری پول خواهد بود.

بنابراین بر اساس استدلال کینز و با عنایت به تعریف پول به عنوان شکلی از یک دارایی، نرخ بهره یا بهای پول به عنوان یک متغیر اصلی در تنظیم روابط اقتصادی، میان بخش‌های پولی و حقیقی اقتصاد خواهد بود.

به طور کلی نظریات متفکرین اقتصادی در غرب، جملگی بر تعریف ماهیت پول به عنوان کالا یا دارایی، مؤید پذیرش وجود بهایی برای آن در اقتصاد می‌باشد. قبول این اصل به معنای پذیرش نرخ بهره به عنوان سازوکاری برای ایجاد تعادل در بازار پول، جبران هزینه‌های فرصت، جبران تورم و کاهش ارزش پول برای پس اندازکنندگان و وام‌دهندگان و همچنین معیاری برای ارزیابی بازدهی اقتصادی در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد.

به بیان ساده در اقتصاد متعارف سرمایه‌داری با ارائه چنین تعریفی از ماهیت و کارکرد پول، نرخ بهره به عنوان یک ابزار کاملاً منطقی و کارآمد جهت تعیین الگوی تخصیصی بهینه منابع و هدایت فعالیت‌های اقتصادی در کارآمدترین مسیر معرفی می‌گردد.

۵. ماهیت و کارکرد پول از منظر فقه اسلامی

اسلام به عنوان کاملترین دین به همه جنبه‌های زندگی و فعالیت مسلمانان در جهان پرداخته است. در قوانین و دستورات اسلام اصل رفاه اقتصادی و اجتماعی، همچنین پیشرفت مسلمانان در ابعاد فردی و اجتماعی در سطح امت و واحد مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس خداوند در کتاب آسمانی همواره در آیات

متعدد به طور صریح امر به عدل و قسط فرموده است. به عبارت دیگر اسلام دینی است که هدف عالی آن اجرای عدالت و به خصوص تحقق عدالت اجتماعی تعریف گردیده است. این عدالت در بُعد اقتصادی تنها با تعدیل ثروت اغنیاء و تأمین زندگی متوسط و قابل قبول برای همه افراد جامعه تحقق می‌یابد.

دریافت و پرداخت ربا و یا به عبارت ساده‌تر انجام معاملات ربوی از جمله فعالیت‌هایی است که در هر جامعه‌ای، زمینه‌های ایجاد نابرابری و گسترش فقر و در نهایت پیدایش تضاد فاحش طبقاتی و بروز خطر از هم پاشیدگی روابط انسانی و اجتماعی و جایگزینی خصلت‌های ضد انسانی را به همراه دارد. لذا با عنایت به این موارد، ماهیت و کارکرد تعریف شده برای پول در اسلام می‌بایست کاملاً با این اهداف و قوانین منطبق گردد.

از طرف دیگر واقعیات اقتصادی طی سال‌های گذشته حاکی از این امر می‌باشد که وجود نرخ‌های بالای تورم در مقایسه با نرخ‌های سود بانکی، همیشه باعث کاهش قدرت خرید پول برای گروه‌های جامعه و کاهش تمایل گروه‌های سپرده‌گذار برای پس انداز کردن و تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در کشور گردیده است. بر این اساس تعریف و درک مناسب از ماهیت پول در اسلام می‌تواند تصویر روشنی از سازوکارها و ابزارهای پولی را برای سیاستگذاران اقتصادی کشور به عنوان یک نظام اقتصاد

گروهی از فقها و صاحب‌نظران به طور مطلق جبران کاهش ارزش پول را امر غیر جایز و مبلغ پرداختی را مترادف با ربا تعریف می‌نمایند. این گروه از فقها، پول را به عنوان یک مال مثلی در نظر می‌گیرند

اسلامی جهت حفظ قدرت خرید پول و جبران آثار روند شدید تورمی بروضعیت اقتصادی خانوارها در جامعه ارائه دهد.

برای این منظور استفاده از احکام موجود فقهی، مطالعات و پژوهش‌های فقهی در این رابطه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا تشخیص ماهیت پول از

دیدگاه فقهی نقش قابل توجهی در توضیح و تشریح

کارکردهای اقتصادی آن در یک نظام اقتصاد

اسلامی خواهد داشت. اولین سؤالی که در

این رابطه مطرح می‌گردد، این است که آیا

از دیدگاه اسلامی همانند دیدگاه‌های

مکاتب اقتصادی غربی، پول به عنوان یک

دارایی تعریف می‌شود؟ به منظور پاسخ به

این سؤال و روشن شدن این مطلب، ابتدا باید

به تعریف دارایی یا مال از جنبه فقهی و یادیدگاه فقهی

گروه دوم با بیان دیدگاهی کاملاً متفاوت با گروه اول، جبران کاهش ارزش پول را امری لازم دانسته‌اند. تعدادی از فقها در این گروه ضمن تعریف پول به عنوان یک مال مثلی، قدرت خرید پول و ارزش مبادله ای پول را در مثلی بودن آن دخیل می‌دانند

بپردازیم.

در فرهنگ‌های لغت تعاریف متعددی برای کلمه مال آورده شده است. در کتاب «لسان العرب»^۹ اشاره شده است که مال چیزی معلوم است و به تعریف نیاز ندارد و عبارت از کلیه چیزهایی است که مالک آن باشی.

فخرالدین الطریحی، در «مجمع البحرین»^{۱۰} اشاره می‌نماید که مال در اصل طلا و نقره است که به تملیک درآید، سپس بر اعیان خارجی که به دست می‌آید و ملک افراد می‌شود، مال گفته می‌شود. در فرهنگ فارسی^{۱۱} دکتر محمد معین، آنچه در ملک کسی باشد و یا ارزش مبادله ای داشته باشد، دارایی تعریف می‌گردد.

باعنایت به این گونه تعاریف باید گفت هر دارایی از نگاه عقلا در جامعه شامل چیزی است که دارای ارزش داد و ستد باشد.

به عبارت ساده‌تر با عنایت به این تعاریف اولیه، تعریف هر چیزی به عنوان دارایی، ضرورت وجود دو شرط یا ویژگی اساسی بر آن شیء را مترتب می‌دارد: یکی آنکه شیء تعریف شده از کارایی لازم برای رفع نیازمندی‌های بشر برخوردار بوده و دیگر اینکه قابلیت اختصاص دادن به فرد یا گروه معینی را داشته باشد.

تعدادی از فقها نیز با پذیرش و قبول چنین تعریفی، تعریف هر چیزی به عنوان دارایی را منوط

به داشتن منافع عقلایی برای دارنده آن می‌دانند. برای مثال

علامه حلی در کتاب «مجمع الفائده»^{۱۲} اشاره می‌نماید

که هر چیزی که دارای منفعت عقلایی باشد که شرع

آن را حلال شمرده اگر چه خیلی کم و نادر باشد،

مبادله آن صحیح بوده و به عنوان دارایی شناخته

می‌شود.

شیخ انصاری در کتاب «المکاسب»^{۱۳} اشاره

می‌نماید که مبادله چیزهایی که سود عقلایی و شرعی

نداشته باشد، صحیح نیست. بر اساس این تعریف یکی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های اصلی دارایی بر

گروه سوم فقهایی می‌باشند که پول را به عنوان یک مال قیمی تعریف نموده‌اند. بر حسب نظرات این گروه جبران کاهش ارزش پول امری لازم خواهد بود

شمردن هر چیزی را ارزش عقلایی و مبادله‌ای آن به حساب می‌آورند. شهید مطهری در کتاب «مبانی اقتصاد اسلامی»^{۱۴} سه شرط را برای دارایی تعریف شدن هر شیء اشاره می‌نماید: اول اینکه آن چیز مورد نیاز باشد؛ دوم اینکه به وفور و به صورت رایگان در دسترس نباشد و سوم اینکه قابلیت تملک و اختصاص به فرد معینی را داشته باشد.

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب «المکاسب المحرمه»^{۱۵} در رابطه با اینکه شیء چگونه از ویژگی‌ها و ماهیت یک دارایی برخوردار می‌باشد، می‌فرماید: اعتبار مالیت در اشیا فقط برای آن است که مورد رغبت واقع می‌شوند. پس اگر چیزی به دلیل نداشتن خاصیت یا سود و یا به دلیل فراوان بودنش مورد رغبت قرار نگیرد، ماهیت یک دارایی (مالیت) را پیدا نمی‌کند.

تمامی تعاریف اشاره شده حکایت از اشتراک عقیده و تفاهم در تعریف مفهوم دارایی و مال از دیدگاه فقهی و نیز حقوقی و اقتصادی دارد؛ زیرا از دیدگاه اقتصادی نیز دارایی آن چیزی تعریف می‌گردد که دسترسی به آن هزینه‌هایی را برای فرد ایجاد نموده، دارای فایده و مطلوبیت و یا سود برای دارنده آن باشد و صفت کمیابی برای آن تعریف شود.

در دنیای امروز پول (به عنوان مسکوک، اسکناس و حتی پول الکترونیکی) به عنوان وسیله‌ای برای تسهیل در داد و ستد و ذخیره ثروت، مورد تقاضا و درخواست مردم جامعه است. بر این اساس همه دارندگان آن در جامعه خود را صاحب چیز ارزشمندی می‌دانند که به واسطه آن قابلیت دسترسی به کالاها و خدمات متعددی را دارند که منشأ ایجاد رضایت خاطر و مطلوبیت آنها را فراهم می‌کند، از طرف دیگر این شیء به واسطه این ویژگی‌ها قابلیت تملیک توسط فرد و یا افراد معین را دارد و به عبارتی می‌تواند به عنوان یک کالای خصوصی، بخشی از ثروت و دارایی فرد تلقی گردد. لذا بر این اساس می‌توان گفت تمامی احکام فقهی که بر سایر کالاها مترتب می‌شود، با این دیدگاه بر پول نیز مترتب خواهد بود. اما در یک تعریف دقیق‌تر باید به این موضوع اشاره داشت که در فقه و حقوق اسلامی کلیه اموال و دارایی‌ها در قالب دو مقوله قیمی و مثلی طبقه‌بندی می‌گردند که هر کدام از این مفاهیم احکام و شرایط خاص خود را ایجاب می‌نمایند. لذا تعریف پول به عنوان دارایی (مال) در چهارچوب هر کدام از این دو گروه تعریف شده، می‌تواند سبب ترتب احکام متفاوت و برداشت‌های متفاوت از آن و در نهایت کارکردها و تفاوت آن شود. قرار دادن مقوله پول در هر کدام از این چهارچوب‌ها می‌تواند آثار و تبعات خاصی را برای سیاست‌ها و موضوع‌های مرتبط با مفهوم پول در چهارچوب مسائل اقتصادی - پولی و بانکی داشته باشد.

بررسی دو مفهوم مثلی بودن و قیمی بودن اموال اشاره به این دارد که موارد مذکور از سوی شارع بیان نشده است و صرفاً این دو، اصطلاحاتی است که برخی فقها در باب ضمان در فقه اشاره نموده‌اند. بنابراین شاید نگاه عرف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، در مورد مثلی بودن یا قیمی بودن اشیا تغییر کند. شیخ انصاری در کتاب «المکاسب»، مال مثلی را مالی تعریف می‌کند که اجزای آن از جهت قیمت برابر باشد و مالی را قیمی می‌داند که جزئیات آن در صفاتی که مردم نسبت به داشتن آن تمایل دارند، مساوی نباشد.

گروه دیگری از فقها درخواست و تمایل افراد به داشتن کالاها را به عنوان معیاری برای تشخیص مثلی بودن و یا قیمی بودن معرفی می‌نمایند. از دیدگاه این فقها اشیای مثلی باید دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی باشند که میزان تمایل مردم جامعه نسبت به آنان یکسان باشد و قیمت آنها به واسطه خصوصیات آنها تغییر نکند. در مقابل اشیایی که دارای ویژگی‌ها و خصوصیات باشند که منجر به تفاوت در تمایل و رغبت افراد در داشتن آنها گردد، به عنوان مال قیمی تعریف می‌شود. علی‌رغم وجود

مشخصه‌ها و ویژگی‌های لازم برای تعریف پول به عنوان یک دارایی (مال) از دیدگاه محققان و صاحب‌نظران فقیهان و صاحب‌نظران در اسلام، در زمینه تعریف آن به عنوان یک مال مثلی و یا قیمی تعدد نظر وجود دارد.

بر اساس قول مشهور فقهای امامیه، پول‌های اعتباری مانند طلا و نقره که ارزش و توان خرید آنها نزد عرف و در طول زمان ثابت باشد، به عنوان مال مثلی تعریف می‌گردند. اما میان همین گروه اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد؛ زیرا گروهی از آنان علی‌رغم تعریف پول به عنوان یک مال مثلی، اعتقاد به مؤثر بودن قدرت خرید را در مثلی بودن آن می‌دانند. برای مثال شهید صدر در کتاب «فقه اهل بیت»^۶ اشاره می‌نماید که پول‌های کاغذی اگرچه مال مثلی می‌باشند ولی مثل آن صرفاً همان شکل ظاهری آن نمی‌باشد، بلکه هر چیزی که قیمت واقعی آن را مجسم نماید، مثل پول محسوب می‌شود.

گروه دیگر ضمن تعریف اسکناس به عنوان پول، این تعریف را در او صاف ذاتی اسکناس به عنوان یک مال مثلی تأیید می‌نمایند و لذا عامل قدرت خرید را به عنوان یکی از او صاف نسبی اسکناس، مشمول احکام مترتب بر اموال مثلی نمی‌دانند؛ زیرا این گروه معتقد هستند که قدرت خرید پول به عنوان یک صفت برای پول در مقایسه با سایر اموال و یا نیازهای مصرفی انسان تعریف می‌گردد.

در بیان این موضوع، آیت اله سید کاظم حسینی حائری در کتاب «اوراق المالیه الاعتباریه»^۷ اشاره می‌نماید که او صافی که از نظر عرفی در مثلث اشیا تأثیرگذار است، معنی مقوم مثلث اشیا هستند و فقط او صاف ذاتی می‌باشند، نه او صاف نسبی. بنابراین اگرچه پول کاغذی مثلی است اما قدرت خرید آن در چهارچوب این تعریف نمی‌باشد.

در مقابل این دیدگاه گروه دیگری از فقها پول را در مقوله اموال قیمی تعریف می‌نمایند. آیت اله محمد هادی معرفت اشاره می‌نماید که اساساً پول قیمی است نه مثلی؛ زیرا آنچه در پول معتبر است، مالیت آن می‌باشد، یعنی ارزش کاربردی و قدرت خرید آن.

گروه دیگری از فقها معتقد می‌باشند که تقسیم بندی اموال به دو گروه قیمی و مثلی صرفاً دیدگاه اموال حقیقی است و پول به عنوان یک مال اعتباری در این مقوله گنجانده نمی‌شود. برای مثال آیت ... سید محمد حسن بجنوردی اشاره می‌نماید که ضابطه مثلی و قیمی بودن، صرفاً مربوط به کالاهایی است که دارای ارزش ذاتی هستند. لذا پول در تعاریف امروزی آن، به دلیل فقدان ارزش ذاتی در این طبقه بندی قرار نمی‌گیرد.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

تورم یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. این پدیده کلیه بخش‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استمرار آن در بلندمدت به خصوص دورقمی بودن نرخ آن، مشکلات عدیده‌ای را برای فعالیت و بخش‌های اقتصادی به دنبال دارد. بخش پولی و بانکی در هر اقتصادی به عنوان اولین خاکریز مورد تهاجم فشارهای تورمی در اقتصادهای مختلف می‌گردد. کاهش مستمر قدرت خرید پول و پایین آمدن ارزش واقعی آن به ویژه برای سپرده‌گذارانی که با هدف کسب سود منابع خود را به سپرده‌های بلندمدت اختصاص داده‌اند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در نظام مالی - اقتصادی متعارف ساز و کارهای نرخ بهره و نوسان‌های آن به عنوان روش‌ها و ابزارهای جبرانی برای این گروه از فعالان تا حد قابل توجهی این زیان‌ها را جبران می‌نماید. مع‌هذا حرمت قطعی رب‌در فقه اسلامی، استفاده از ابزار بهره‌رابه منظور جبران هزینه‌های کاهش ارزش پول به طور کامل ممنوع می‌نماید. در چنین شرایطی راه حل مناسب به منظور جبران خسارت برخاسته از کاهش ارزش پول صرفاً می‌تواند به برداشت مناسب عملی و منطقی از ماهیت پول در اقتصاد خلاصه گردد.

دیدگاه‌ها و نظرات مربوط به جبران کاهش ارزش پول را می‌توان با عنایت به مباحث مطرح شده و برداشت‌های متفاوت از ماهیت پول در فقه اسلامی به سه گروه طبقه‌بندی نمود. گروه اول از فقها و صاحب‌نظران به طور مطلق جبران کاهش ارزش پول را امر غیر جایز و مبلغ پرداختی را مترادف بار با تعریف می‌نمایند. این گروه از فقها پول را به عنوان یک مال مثلی در نظر می‌گیرند و کاهش ارزش پول را ضمان آور نمی‌دانند. لذا بر مبنای آرای این گروه، حکم به مثلی بودن پول و جبران کاهش ارزش پول مصداق ربامی باشد.

گروه دوم با بیان دیدگاهی کاملاً متفاوت با گروه اول، جبران کاهش ارزش پول را امری لازم دانسته‌اند. تعدادی از فقها در این گروه ضمن تعریف پول به عنوان یک مال مثلی، قدرت خرید پول و ارزش مبادله‌ای پول را در مثلی بودن آن دخیل می‌دانند.

لذا اعتقاد به این امر دارند که در زمان کاهش قدرت خرید پول، بدهکار می‌بایست به همان میزان قدرت خرید را، در زمان دریافت پول به طلبکار پرداخت نماید (احکام مربوط به پرداخت مهریه بر مبنای این نظرات می‌باشد).

گروه سوم فقهای می‌باشند که پول را به عنوان یک مال قیمی تعریف نموده‌اند لذا بر حسب نظرات این گروه جبران کاهش ارزش پول امری لازم خواهد بود.

به طور کلی بررسی نظرات و دیدگاه‌های مختلف درباره جبران زیان‌های کاهش قدرت خرید پول و آثار منفی آن بر ساختار اقتصادی جامعه بیانگر وجود اتفاق نظری است که جبران کاهش قدرت خرید مردم در جامعه شرعاً قابل توجیه است. مع‌هذا نقطه نظرات مخالفی نیز در عین حال در این رابطه وجود دارد. با این حال باید گفت این دیدگاه‌ها کمتر به تبیین موضوع و مقتضیات و مناسبات زمان توجه نموده‌اند. البته جایگاه احکام مورد استفاده از این دیدگاه بر همگان مسلم است. با این حال گفتنی است که احکام و نظرات موافق نیز ضمن تأکید بر مستندات، با برخورد پویا و با عنایت به شرایط و مقتضیات زمان سعی در مقابله با تبعات منفی این معضل اقتصادی (تورم) و نیز کاهش تبعات و پیامدهای نامطلوب آن به خصوص در بُعد عدالت و توازن اجتماعی نموده‌اند.

لذا با عنایت به وجود این تفاوت‌نظرها و همچنین با پذیرش دولت به عنوان رکن سیاستگذار و متولی سرپرستی جامعه اسلامی، به استناد قاعده لاضرر از دیدگاه حقوق و اقتصاد اسلامی وظیفه حفظ سلامت جامعه و اداره امور اقتصادی کشور را دارد. تبیین موضوع و ارائه یک حکم و نظر نهایی از طرف دولت در این زمینه مفید و حتی ضروری به نظر می‌رسد.

در جامعه اسلامی نمی‌توان به راحتی مسئله کاهش ارزش پول را نادیده گرفت. مسئله کاهش قدرت خرید پول نه تنها برای قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده، بلکه برای تمامی افراد جامعه به ویژه افراد دارای درآمدهای ثابت و کم درآمد مطرح و آثار و تبعات آن در تمامی زوایای زندگی روزمره محسوس و مشهود است. در عین حال تمامی فقها (متقدم و متأخر) شخصاً و به صراحت، به این موضوع معترض نگردیده‌اند. لذا می‌توان این موضوع را به عنوان یکی از مصادیق مسائل مستحدثه نیز تعریف نمود.

پانوشته‌ها:

* معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.

** عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

- 1- David Hume
- 2- John Low
- 3- William Petty
- 4- Richard Kntieon
- 5- Keliov Loid
- 6- Marshak
- 7- Brunz
- 8- Samuelson

- ۹- محمدبن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، (بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ه. ق.).
- ۱۰- فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، (نجف: دارالثقافه، ۱۳۹۵ ه. ق.).
- ۱۱- محمد معین، فرهنگ جیبی معین (فارسی)، (تهران: زرین، ۱۳۸۲).
- ۱۲- حسن بن یوسف علامه حلّی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشادالاذهان، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه بجماعه المدرسین، ۱۴۰۲ ه. ق.).
- ۱۳- مرتضی بن محمد امین انصاری، المکاسب، (قم: مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، ۱۳۷۲).
- ۱۴- شهید مطهری، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، (تهران: حکمت، ۱۴۰۳ ه. ق.).
- ۱۵- امام خمینی (ره)، المکاسب المحرمه، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴).
- ۱۶- محمدباقر صدر، الفتاوی الواضحه و فقا المذهب اهل البیت، (ع) (القاهره: دارالکتاب المصریه، ۱۹۷۷م).
- ۱۷- آیت اله سیدکاظم حسینی حائری، اوراق المالیه الاعتباریه، (مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۹).

منابع و مأخذ

- ۱- بختیاری، صادق و شجری، هوشنگ. (۱۳۷۵). تحلیل بر مسئله حفظ ارزش پول بانگرتشی بر مفاهیم ربا، بهره و سود تضمین شده. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هفتمین سمینار بانکداری اسلامی. (۲۳۶-۲۱۹). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۲- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. (۱۳۷۵). پول در نگاه اقتصاد و فقه. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳- پوریان، حیدر. (۱۳۷۵). اصول مالیه اسلامی و نگرانی‌های ارزش پول. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هفتمین سمینار بانکداری اسلامی. (۱۸۵-۱۹۵). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۴- توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری. تهران: توانگران.
- ۵- داوودی، پرویز؛ نظری، حسن و میرجلیلی، سیدحسین. (۱۳۷۴). پول در اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- ۶- کهزادی، نوروز و رادفرد، رضا. (۱۳۷۵). پول و حفظ ارزش آن در بانکداری اسلامی. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هفتمین سمینار بانکداری اسلامی (۱۳۱-۱۴۴). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۷- مجتهد، احمد و حسن زاده، علی. (۱۳۸۴). پول و بانکداری و نهادهای مالی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۸- مهدوی نجم آبادی، سیدحسین. (۱۳۷۵). تاءثیر کاهش قدرت خرید پول بر دارایی‌ها، بدهی‌ها و درآمد اشخاص با تاءکید بر دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های اسلامی. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هفتمین سمینار بانکداری اسلامی. (۱۴۷-۱۷۴). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۹- هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۷۵). موضوع شناسی ربا از دیدگاه فقه. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هفتمین سمینار بانکداری اسلامی. (۵۳-۷۸). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۱۰- یوسفی، احمد علی. (۱۳۷۷). ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.